

## بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

(محرم ۱۴۴۰ ه.ق - ده شب در کربلا)

۲۴ شهریور ۹۷

خطبه‌ی شب پنجم

شکر الله، پروردگار یکتا را که جان بندگان خویش را به‌سوی خود فراخواند و زمانِ عمر را گنجینه‌ای که ثروتش اندوخته نمی‌شود مگر جان آدمی در رهنمودهای پروردگار عالم به سرای سعادت متصل شود و همواره لب بر آبشخور تربیت قرآن کریم نهد تا عطش جانش را در مهر خالقش فرونشاند، عطشی که بازگشت به آغوش پر مهر پروردگار را معنا می‌کند. آمدنش به دنیا اختیاری نبود ولی چگونه بازگشت خود را برمی‌گزیند؟ یا سربلند و با عزت و پیروز، یا سرافکنده و ذلیل. مختار است که در فرصت‌هایی که خداوند از رحمانیتش در طول عمرش برایش رقم زده استفاده کرده و به دعوت خالقش در حالی لبیک گوید که راه رستگاری را از قرآن کریم و پیامبر و امامش آموخته و با آن نوع هجرتش را قبل از به پایان رسیدن عمرش مطابقت نموده. پس پیروزمندانی که ملکوتیان با استقبالی با شکوه به پیشواز آنان خواهند آمد کسانی هستند که پروردگار کریم فرموده: آنان که ایمان آوردند و مهاجرت کردند و در راه خدا با مال و جان خویش جهاد کردند در نزد خدا درجتی عظیم‌تر دارند و کامیافتگانند.

نمونه‌ی بارز و مصداق آن امام حسین (ع) و یارانش هستند که خداوند مهربان یاد و عملشان را بهترین سرمشق برای مؤمنین و مؤمنات در همه دوران‌ها زنده نگه داشته، و چه زیان دیدگان‌اند آنانی که از فرصت‌های نجات گذشتند و به‌سوی دنیایی که نفس و شیطان برایشان آراسته بود گریختند. در شب عاشورا مولایمان اباعبدالله (ع) چراغ‌ها را خاموش کردند و در چادر خود تنها نشستند تا جان‌های مشتاق دنیا در سیاهی شب بگریزند، در آن حال با حلقه‌ی اشکی که دور چشم مبارکشان جمع شده بود می‌فرمایند: بروید، جان متاعی گران‌بهاست، آن را از تیغ‌های کشیده برهانید، آن

تیغها بر جان‌هایی می‌تازد که آنان را دوست می‌دارند و از برقشان نمی‌هراسند، بلکه با آغوشی باز استقبالشان می‌کنند.

پس مهمانان کوی عشق خانه‌ی مقدس امام عصر و زمان اباصالح المهدی (عج)، دهه‌ی محرم امسال به نیمه رسیده، پس تردیدها را کنار گذارید و فرصت‌ها را غنیمت بشمارید. اگر امام و مولایمان همچون جدشان امام حسین (ع) اعلام فرمودند که من بیعت از شما برداشتم، بروید، بایستید، اعلام کنید، مولای ما می‌دانیم که بیعت‌هایی را که سال‌ها بسته‌ایم با آلودگی‌ها و گناهانمان شکسته‌ایم. ولی در این محرم با عزمی راسخ‌تر و درکی بالاتر از گذشته به تمنا و عاجزانه برای تجدید بیعت دستمان را به سویت بلند می‌کنیم. دست‌گدایی‌مان را از لطف و کرم‌تان بپذیرید که سخت‌پشیمان و عاشقیم. اگر صد بار برانید نخواهیم رفت، دل‌مشتاق و آمادگی‌مان را برای برقراری حق، در طول زندگی با عملمان امضاء خواهیم نمود.

حال به اذن الله و به اذن رسول‌الله و به اذن مولانا اباعبدالله (ع) خطبه‌ی شب پنجم ده شب در کربلا را قرائت می‌کنیم:

## بسم الله الرحمن الرحيم

### خطبه‌ی شب پنجم

سلام نامی است که پروردگار آن را برگزیده تا سینه‌ها توان برداشتن امر الهی را پیدا کند. زبان به حرکت درآمد پروردگارش را همان‌گونه که در کتاب آسمانی فرمان داده است خواند و آنگاه منتظر جواب سلامی شد که به او آموخته بودند، جواب در زیباترین قالب وحی در جان بندگان جای گرفت، من و فرشتگانم همواره به شما درود می‌فرستیم تا از تاریکی به روشنایی هدایتان کنیم. چه تبادل‌گویایی زبان دل با کلام وحی در می‌آمیزد پس اجازه می‌یابد تا مجدداً به آغوش پر مهر پروردگارش بازگردد. راه آمدنش را خود نیموده است او را در رحمی جای داده‌اند تا صورتش را عیان کنند، اینک چهره‌اش آشکار گردیده و نام مشخص خود را شناخته است آمده تا عشق را بشناسد، حرارت را درک کند، پروردگار به برگشتی با شکوه دعوتش می‌کند، در آیاتش

مکانش را متذکر می‌شود باید منتظر آجلش شود، او چگونه باز خواهد گشت آغوش مادر به صحنه‌ی دیگری تغییر می‌یابد این بار مهماندارانش طبق آنچه خود پسندیده از او استقبال می‌کنند، همانند عاشوراییان که نامشان را در دل حق جویان به ثبت رساندند و آنانی که به استقبالشان آمدند دل‌های مشتاقی بود که جمال بقیة الله را در چهره‌ی خونینشان دیدند پس میراثشان را در قلبشان حفظ کردند تا آیه‌ی قرآن کریم معنا شود که می‌فرماید: «آنچه برایتان باقی گذاشتم بهترین است». اینک این ثروت گران‌بها در صندوقچه‌ی جان‌هایی ذخیره شده که توانسته‌اند قفلش را بگشایند پس سؤال می‌کنم انتظار فرج به چه معناست؟ آیا دیدن جمال امامتان است؟ رفع مشکلات زندگی‌تان؟ و یا نجات دینتان؟ اگر به سؤال اول پاسخ دهید باید توانسته باشید تا چهره‌ی پیامبرتان را درک کنید و اگر به سؤال دوم پاسخ دهید باید به سؤال پروردگار کریم که می‌فرماید تمام بدی‌ها متعلق به خودتان است و پروردگار خواهان نیکی برای بندگان خویش است و اگر به سؤال سوم پاسخ دهید دین انتخاب شده از سوی خداوند است و آن زمان تباہ می‌شود که بندگان جانشان را در وسوسه‌ی نفس اماره به شیطان بفروشند و بهای آن را دریافت کنند. پس فرج در کجاست؟ جانشین رسالت در هدایتش همان‌گونه عمل می‌کند که من عمل کردم صدای دعوتش همواره در زمان‌ها و دوران‌ها به گوش جان شنوندگانش رسیده است ولی آنان همانند امت من از هدایت گریخته‌اند باطل را برگزیده‌اند، قرآن را همانند قوم یهود به دلخواه خودشان آراسته‌اند و منتظر فرجی هستند که آنان را در دینی که خود نگاشته‌اند یاری کند، پس در شب پنجم محرم در میان یارانی نشسته‌اند که وسوسه‌ی فرار، جانشان را در بند کرده است مرتب به اطراف نظر می‌کنند تا راه چاره‌ای برای فرار از این مسئولیت بزرگ بیابند؛ گاه مانند کسی که خواب پریشانی دیده است از چادر بیرون می‌آیند و به اطراف نظر می‌کنند، برای چه مانده‌اند، منتظر چه هستند، انتظارشان چه حاصلی دارد؟ آنان برای بهتر شدن دنیایشان و جمع آوری غنیمت، پُست و مقام آمده بودند ولی چهره‌ی امامشان چیز دیگری را نشان می‌دهد باید بگریزند در این نگرانی به دنبال فرصتی برای فرار هستند و زمان، منتظر این فاجعه‌ی عظیم، انتظاری که به سرعت سپری می‌شود و زبان حق از جای خود حرکت می‌کند: ای یاران بروید من

بیعت خویش را از شما برداشتم، آسوده باشید، برخیزید و بروید به طرف دنیایی که منتظرتان است و آنان رفتند، شما چه می‌کنید؟ آیا صدای مولایتان را می‌شنوید که می‌فرماید: ای جان‌های در بند شده، من بیعت خویش را از شما برداشتم، برخیزید و بگریزید. با کدام دسته خواهید ماند؟ خوب اندیشه کنید تا ساعت‌ها را در این فرصت چند روزه دریابید، اینک با آگاهی از هفتان او را بخوانید تا از محبتش جدا نشوید.

**اللهم عجل لولیک الفرج**